

گزارش شماره ۱

خواهان: \$\$\$\$\$\$ با وکالت @@@@

~~با وکالت @@@@~~

خواسته و بهای آن: مطالبه وجه ۲ فقره چک جمعاً به میزان ۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال با احتساب خسارات دادرسی و حق الوکاله وکیل و تأخیر تأدیه

دلایل و منضمات دادخواست: کپی مصدق کارت ملی، چک و ظهر آن و گواهی عدم پرداخت، پرونده تأمین خواسته شعبه ۴ حقوقی، وکالت نامه

تاریخ رسیدگی: ۹۵/۰۴/۲۳ ساعت: ۱۱

شماره پرونده: ۹۴۰۶۴۵ لف ۹۵۰۰۸۰

مرجع رسیدگی: شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی شهرستان ساری

شرح دادخواست:

خوانده ضامن ۲ فقره چک که عبارتند از ۱-چک به شماره ۲۲۲۷۲۶ سر رسید ۹۳/۱۱/۳۰ عهده بانک ملی شعبه شاهین شهر مبلغ ۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال که در تاریخ ۹۳/۱۲/۱۸ در بانک شعبه قارن ساری به لحاظ کسر موجودی گواهی عدم پرداخت صادر شد. ۲-چک شماره ۰۶۵۸۰۲-۱۰۱۰ به مبلغ ۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال به سر رسید ۹۳/۱۱/۲۰ که در تاریخ ۹۳/۱۲/۲۰ به لحاظ کسر موجودی، گواهی عدم پرداخت صادر شد لذا براساس مقررات قانونی صدور حکم بر محکومیت خوانده را نسبت به اصل خواسته و خسارات دادرسی و حق الوکاله و تأخیر تأدیه خواستارم.

دادخواست و ضامناً آن پس از ابطال تمبر هزینه دادرسی به دستور معاون قضایی به شعبه اول دادگاه حقوقی ارجاع شد و پس از ثبت در دفتر شعبه به تاریخ ۹۴/۱۰/۰۵ توسط دادرس دادگاه دستور تعیین وقت و ابلاغ به وکلای خواهان و خوانده و ارسال نسخه ثانی دادخواست و ضامناً آن برای خوانده صادر شد.

توسط رئیس دفتر شعبه وقت رسیدگی به تاریخ ۹۴/۱۱/۲۸ ساعت ۹ صبح تعیین شد.

به تاریخ ۹۴/۱۰/۱۰ اختاریه وکلای خواهان به دلیل عدم حضور به درب دفتر الصاق شد.

به تاریخ ۹۴/۱۰/۱۹ اختاریه خوانده به دلیل نقل مکان ابلاغ نشد.

به تاریخ ۹۴/۱۱/۲۸ در وقت مقرر جلسه دادگاه تشکیل است وکیل خواهان حضور دارد و خواننده حضور ندارد و لایحه ای ارسال نکرده است و حسب گواهی مأمور ابلاغ خواننده از آدرس اعلامی نقل مکان نموده است.

اظهارات وکیل خواهان: آدرس جدیدی نداریم و تقاضای نشر آگهی را دارم.

تصمیم دادگاه:

دادرس دادگاه به دفتر دستور تعیین وقت رسیدگی مجدد و ابلاغ آن به وکلای خواهان و دعوت خواننده از طریق نشر آگهی را صادر کرد.

توسط رئیس دفتر شعبه وقت رسیدگی مجدد به تاریخ ۹۵/۰۲/۱۱ ساعت ۱۰/۳۰ صبح تعیین شد. به تاریخ ۹۴/۱۱/۲۸ درخواست چاپ آگهی ابلاغ وقت رسیدگی برای خواننده به اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی ساری ارسال شد.

به تاریخ ۹۴/۱۲/۰۳ آگهی مذکور به چاپ رسید و هزینه آن نیز پرداخت شد.

به تاریخ ۹۴/۱۲/۱۲ اخطاریه یکی از وکلای خواهان به دلیل عدم حضور به درب دفتر الصاق شد.

به تاریخ ۹۴/۱۲/۱۷ اخطاریه یکی دیگر از وکلای خواهان نیز به دلیل عدم حضور به درب دفتر الصاق شد.

به تاریخ ۹۴/۱۲/۱۸ به دلیل حضور خواننده در دفتر شعبه، اخطاریه وقت رسیدگی به وی ابلاغ شد و آدرس جدید خویش را نیز به دفتر اعلام نمود.

به تاریخ ۹۵/۰۲/۱۱ وکیل خواننده رضا بخشی اعلام وکالت نمود.

به تاریخ ۹۵/۰۲/۱۱ در وقت مقرر جلسه دادگاه تشکیل است، وکلای خواهان علی رغم ابلاغ قانونی حضور ندارند و لایحه ای تقدیم نکرده اند، وکیل خواننده حضور دارد.

اظهارات وکیل خواننده: ۱- چون اولین جلسه رسیدگی است و رؤیت اصول اسناد الزامی است و خواهان و وکلای او جهت ارائه آن حضور ندارند، لذا تقاضای رد دعوی ایشان را دارم. ۲- موکل ظهرنویس بوده و هیچگونه ضمانتی در این خصوص نداشته و براساس ماده ۳۱۵ قانون تجارت هیچ ارتباطی به ایشان نداشته است و باید به صادر کننده رجوع شود.

یکی از وکلای خواهان حین تنظیم صورتجلسه حضور یافته است.

اظهارات وکیل خواهان: موکلم چکی را که صادر کننده آن اهل اصفهان بوده و خوانده ضمانت آن را نمود، تحویل گرفت، لذا بر اساس ماده ۳۱۵ قانون تجارت چون بانک محال علیه و اقامتگاه صادر کنندگان شاهین شهر اصفهان بوده و اقامتگاه موکل در ساری، مهلت اقدام جهت مراجعه به بانک ۴۵ روز است و ۱۵ روز نمی باشد، از طرف دیگر خوانده ضامن بوده و ظهرنویس نبوده است چون چک ها در وجه حامل بوده، روشن است که برای نقل و انتقال آن نیازی به ظهرنویسی نیست و با توجه به نظریه دکترین حقوقی و رویه محاکم امضا در ظهر چنین چک هایی، ظهور در ضمانت دارد لذا محکومیت خوانده را به شرح دادخواست خواستارم. وکیل خوانده از وکیل مذکور پرسید خواهان چک را از چه کسی و در چند مرحله دریافت کرده است؟ وکل خواهان اظهار داشت: حضور ذهن ندارم ولی به نظر می رسد خوانده به اتفاق صدر کنندگان چک را تحویل موکلم دادند گرچه این موضوع تأثیری در اصل مسئله ندارد، چرا که می تواند مفید این معنا باشد که شخص به دلیل عدم داشتن چک، چک فرد دیگری که در وجه حامل بود را ضمن امضا در ظهر آن به عنوان ضامن، جهت پذیرش طرف معامله به وی داده است.

اظهارات وکیل خوانده: چک در ساری تحویل شد و در مورد یکی از چک ها یعنی چک بانک سرمایه که در موعد مقرر گواهی عدم پرداخت آن صادر شده است، موکل مبلغ ۱۹ میلیون تومان به حساب شریک خواهان رسول تبریزی واریز کرده است، که تقاضای جلب ثالث به طرفیت صادر کننده چک و رسول تبریزی را دارم که ظرف ۳ روز دادخواست آن را ارائه می کنم. ضمناً با عنایت به اینکه چک در ساری دریافت شد و نسبت به صاحب حساب اقدامی ننموده اند لذا فرجه زمانی همان ۱۵ روز است.

تصمیم دادگاه:

دفتر وقت نظارت یک هفته ای تعیین شود.

به تاریخ ۹۵/۰۲/۱۸ در وقت نظارت جلسه دادگاه تشکیل است، دفتر وقت نظارت ۱۰ روز تجدید شود.

به تاریخ ۹۵/۰۲/۱۵ توسط وکیل خوانده دادخواست جلب ثالث به شرح ذیل داده شد:

دادخواست جلب ثالث:

خواهان ##### به وکالت #####

خواندگان: ۱- #####

#####

خواسته و بهای آن: جلب ثالث موضوع پرونده ۹۴۰۶۴۵ مطالبه وجه به مبلغ ۶۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال به انضمام کلیه خسارات قانونی و حق الوکاله وکیل و تأخیر تأدیه بدو اعسار از پرداخت هزینه دادرسی دلایل و منضمات دادخواست: کپی مصدق کارت ملی، چک و ظهر آن و گواهی عدم پرداخت شماره پرونده: ۹۵۰۰۸۰

شرح دادخواست:

موکل بنده ۲ فقره چک هر کدام به مبلغ ۳۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال را به عنوان ظهرنویس به خواننده ردیف اول منتقل می نماید که یک فقره از آن در فرجه قانونی و ظرف ۱۵ روز طرح دعوی نگردید، چک دیگر نیز که در فرجه قانونی بوده، مبلغ ۱۹۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال به خواننده ردیف دوم که به عنوان شریک خواننده ردیف اول می باشد، پرداخت گردیده است لذا تقاضای رسیدگی و صدور حکم به شرح ستون خواسته مورد استدعاست. توسط معاون قضایی به شعبه اول حقوقی (شعبه رسیدگی کننده به دعوی اصلی) ارجاع شد.

به تاریخ ۹۵/۰۲/۲۲ دادرسی دادگاه به دفتر دستور داد پرونده لف پرونده اصلی شود و وقت رسیدگی مجدد تعیین گردد و به وکلای خواهان دعوی اصلی و دعوی جلب ثالث و همچنین خواندگان دعوی جلب ثالث ابلاغ و در اختاریه وکلای خود را حاضر کنند.

توسط رئیس دفتر شعبه وقت رسیدگی به تاریخ ۹۵/۰۴/۱۴ ساعت ۸/۳۰ صبح تعیین شد.

به تاریخ ۹۵/۰۳/۰۴ اختاریه وکلای خواهان به دلیل عدم حضور وی به درب دفتر الصاق شد.

به تاریخ ۹۵/۰۳/۰۸ اختاریه خواهان دعوی اصلی به وی ابلاغ شد.

به تاریخ ۹۵/۰۳/۰۸ اختاریه خواننده ردیف دوم دعوی جلب ثالث به دلیل عدم حضور وی به بستگانش ابلاغ شد.

به تاریخ ۹۵/۰۳/۱۲ اختاریه وکیل خواننده به وی ابلاغ شد.

به تاریخ ۹۵/۰۴/۱۴ در وقت مقرر جلسه دادگاه تشکیل است، وکیل خواهان حضور دارد، سایر طرفین حضور ندارند و نسخه ثانی اختاریه یکی از مجلوبین ثالث اعاده نشده و اطلاع ایشان از وقت رسیدگی محرز نیست، لذا مقدمات رسیدگی فراهم نمی باشد.

تصمیم دادگاه:

دفتر وقت رسیدگی مجدد تعیین و به وکلای خواهان های عوی اصلی و ثالث و همچنین اشخاص مجلوب ثالث ابلاغ و در اختاریه وکیل خواهان دعوی مجلوب ثالث قید گردد موکل و شهود خود را حاضر نماید و در اختاریه سایرین قید گردد جهت رسیدگی و استماع شهادت شهود حاضر شوند.

توسط رئیس دفتر شعبه وقت رسیدگی مجدد به تاریخ ۹۵/۰۵/۲۵ ساعت ۱۰/۳۰ صبح تعیین شد.

به تاریخ ۹۵/۰۵/۲۱ اختاریه یکی از وکلای خواهان به وی ابلاغ شد.

به تاریخ ۹۵/۰۵/۲۱ اختاریه یکی دیگر از وکلای خواهان به دلیل عدم حضور وی به همکارش ابلاغ شد.

به تاریخ ۹۵/۰۴/۲۶ اختاریه خواهان دعوی اصلی به دلیل عدم حضور وی به خادمش ابلاغ شد.

به تاریخ ۹۵/۰۴/۲۶ اختاریه خوانده ردیف دوم دعوی جلب ثالث به دلیل عدم حضور وی به خادمش ابلاغ شد.

به تاریخ ۹۵/۰۵/۱۷ اختاریه وکیل خوانده به دلیل عدم حضور وی به درب دفتر الصاق شد.

به تاریخ ۹۵/۰۴/۱۹ گواهی می شود آدرس خوانده ردیف سوم دعوی جلب ثالث مورد شناسایی قرار نگرفت.

به تاریخ ۹۵/۰۵/۲۵ در وقت مقرر جلسه دادگاه تشکیل است، وکیل خواهان دعوی اصلی حضور دارد، وکیل

خوانده دعوی اصلی علی رغم ابلاغ حضور ندارد و لایحه ای ارسال ننموده است. مجلوبین ثالث دوم علی رغم

ابلاغ قانونی حضور ندارد و لایحه ای ارسال ننموده است، مجلوب ثالث سوم حضور ندارد و لایحه ای ارسال

ننموده و حسب گواهی مأمور ابلاغ، نشانی وی شناسایی نشد.

اظهارات وکیل خواهان دعوی اصلی: موکلم قول دارد مبلغ ۱۹ میلیون تومان را یک سال بعد از تاریخ چک

دریافت کرده است ولی چک مربوط به بانک ملی بوده نه بانک سرمایه و حسب اظهارات موکلم نحوه وصول

چک به این نحو بوده است که موکل به خوانده پارچه فروخته و خوانده نیز تولید عمده مانتو دارد و هر دو

ساکن ساری هستند و خوانده بابت مطالبات دو فقره چک داد که چون موکل صادرکننده را نمی شناخت و

چک ها را قبول نمی کرد، خوانده بیان کرد با امضای ظهر چک، ضمانت آن را می کند و عرف موجود نیز

چنان است که اگر اشخاص صادر کننده چک را نشناسند، آن را قبول نمی کنند مگر اینکه شخص معتمدی

ضمانت تأمین وجه چک را کند، موکل صادرکننده را نمی شناسد، دادخواست جلب ثالث جهت اطاله

دادرسی بوده و تقاضای تفکیک دعاوی را دارم.

وکیل خوانده در حین تنظیم صورتجلسه حضور یافت.

اظهارات وکیل خواننده دعوی اصلی که وکیل خواهان دعوی ثالث نیز می باشد: موکل بنده تولیدی پوشاک دارد و در ازای خرید پارچه از خواهان به وی دو فقره چک را به عنوان ظهر نویس و نه ضامن منتقل کرده است و از صادرکنندگان گرفته است، با عنایت به اینکه ۱- وکیل خواهان دریافت ۱۹ میلیون تومان را قبول دارد نسبت به مجلوب ثالث دوم دادخواست را مسترد می نمایم. ۲- موکل مدعی است پرداخت مربوط به بانک سرمایه بوده و نه بانک ملی. ۳- خواسته موکل نسبت به مجلوب ثالث سوم محکومیت و به پرداخت ۳۰۰ میلیون ریال وجه چک صادره از حساب ایشان به انضمام خسارات دادرسیو خسارت تأخیر تأدیه می باشد و خواسته را به شرح فوق تقلیل می دهم. ۴- با توجه به تقلیل خواسته به ۳۰۰ میلیون ریال خواسته اعسار را مسترد می دارم. ۵- آدرس مجلوب ثالث سوم را اعلام می کنم.

تصمیم دادگاه:

با توجه به استرداد دادخواست جلب ثالث نسبت به یکی از خواندگان و همچنین خواسته اعسار ختم رسیدگی اعلام و به شرح جداگانه مبادرت به صدور رأی می گردد، همچنین مقررات دفتر هزینه دادرسی مبلغ سیصد میلیون ریال محاسبه و به وکیل خواهان دعوی جلب ثالث جهت پرداخت آن و اعلام نشانی خواننده ثالث اخطار و وقت نظارت دو هفته ای تعیین شود.

رأی دادگاه:

در خصوص دادخواست آقای رضا بخشی به وکالت از آقای اسحق تاران به طرفیت رسول تبریزی به خواسته جلب ثالث و همچنین اعسار از پرداخت هزینه دادرسی با عنایت به اینکه وکیل خواهان این خواسته را مسترد نموده است لذا به استناد بند الف از ماده ۱۰۷ از قانون آیین دادرسی قرار ابطال دادخواست صادر می شود. رأی صادره ظرف بیست روز قابل تجدید نظر خواهی در دادگاه تجدید نظر استان مازندران است.

نظر کارآموز:

۱- ابلاغ ها بر اساس آیین دادرسی مدنی به درستی صورت پذیرفت، تنها در یک مورد ابلاغ یکی از وکلای خواهان به همکار دیگرش صورت گرفت که حتی ابلاغ قانونی هم نیست ولی به دلیل اینکه یکی از وکلا در دادگاه حضور یافت برای رسمیت جلسه کفایت داشت.

۲- به دلیل عدم شناسایی آدرس خوانده در جلسه اول دادگاه، موجبات رسیدگی فراهم نشد و به درستی بر اساس ماده ۷۳ قانون آ.د.م توسط وکیل خواهان تقاضای نشر آگهی برای اعلام وقت رسیدگی به خوانده شد و ضمناً فاصله نشر آگهی تا جلسه رسیدگی نیز بر اساس ماده مذکور رعایت شد.

۳- با توجه به اینکه در وقت رسیدگی اول مقدمات رسیدگی فراهم نبود و جلسه بعدی جلسه اول محسوب شد، وکیل خوانده به درستی بر اساس ماده ۱۳۵ قانون آ.د.م تقاضای جلب ثالث نمود و ظرف سه روز دادخواست مربوط را ارائه داد.

۴- با توجه به اینکه در جلسه اول رسیدگی به دادخواست جلب ثالث اخطاریه یکی از مجلوبین ثالث برگشت نکرده بود، لذا مقدمات رسیدگی فراهم نبود و به درستی وقت رسیدگی مجدد تعیین شد.

۵- در جلسه بعدی رسیدگی به جلب ثالث نیز علی رغم اینکه آدرس یکی از مجلوبین ثالث شناسایی نشد ولی چون دعوی قابل تفکیک بود و برای جلوگیری از اطاله دادرسی دادرس اظهارات طرفین را استماع نمود.

۶- با توجه به استرداد دعوی اعسار توسط وکیل خوانده دعوی اصلی، دادرس دادگاه به درستی اخطار رفع نقص جهت پرداخت هزینه دادرسی را صادر نمود.

۷- با توجه به استرداد دعوی جلب ثالث توسط وکیل خوانده دعوی اصلی، نسبت به یکی از مجلوبین ثالث و استرداد دعوی اعسار از هزینه دادرسی، دادرس دادگاه به استناد بند الف از ماده ۱۰۷ قانون آ.د.م قرار ابطال دادخواست را صادر کرد، ولی به نظر می رسد چون در جلسه اول رسیدگی دادخواست استرداد شد باید با توجه به بند ب ماده مذکور قرار رد دعوی صادر می شد، چرا که ماده بیان می کند: «استرداد دعوا و دادخواست به ترتیب زیر صورت می گیرد: الف- خواهان می تواند تا اولین جلسه دادرسی دادخواست خود را مسترد کند در این صورت دادگاه قرار ابطال دادخواست صادر می نماید. ب- خواهان می تواند مادامی که دادرسی تمام نشده دعوی خود را استرداد کند در این صورت دادگاه قرار رد دعوا صادر می نماید...»